

The Role and Characteristics of Supplication in Child-Rearing, with an Emphasis on Prophetic Supplications in the Qur'an

Seyyed Ali Asghar Alavi¹, Zainab Dehghan²

¹ PhD, Department of Quran and Sciences (Specialization: Management), Al-Mustafa International University, Qom, Iran (**Corresponding author**). modirekarbala313@chmail.ir

² Level 4 Seminary Student, Quranic Sciences and Teachings, Masoumiyeh Seminary Higher Education Institute, Qom, Iran. ommezahrasadat1399@gmail.com

Abstract

Prayer constitutes a significant educational capacity through which diverse teachings and formative principles can be conveyed. The prayers of the prophets in the Qur'an encompass a wide range of educational themes, some of which are directly concerned with the upbringing of children. As such, these prayers provide a valuable and authoritative source for identifying, analyzing, and deriving educational themes and structures within the Qur'anic framework. A systematic and rigorous examination of these themes may offer meaningful and practical insights for parents and contribute to a deeper understanding of Qur'anic approaches to child upbringing. Accordingly, this study aims to examine the educational themes related to child upbringing as reflected in the prayers of the prophets in the Qur'an. More specifically, it investigates prayer as an educational factor in child upbringing, with particular emphasis on the supplications of the prophets, and seeks to derive key educational principles and implications from them. The study adopts an analytical-inferential approach. The findings indicate that education encompasses three fundamental dimensions of human existence: the cognitive, affective, and behavioral domains. Accordingly, the educational function of prayer can be manifested in three areas: its influence on cognitive development, its contribution to affective and emotional development, and its impact on behavioral formation. From a Qur'anic and theological perspective, education is not conceived as a self-directed or human-centered process; rather, it is fundamentally God-centered. In this framework, through the practice of prayer, human beings acknowledge their dependence on God and allow the true Educator (al-Rabb) to shape their inner selves and guide them toward spiritual and human perfection. Thus, the prayers of the prophets may be regarded not merely as expressions of supplication, but also as a significant source of educational principles for fostering the cognitive, affective, and behavioral development of children.

Keywords: Qur'anic Prayers; Prophets; Education; Child Upbringing; Qur'an; Family; Parents.

Received: 2024/09/11 ; **Revision:** 2024/11/16 ; **Accepted:** 2024/12/21 ; **Published online:** 2025/04/09

Cite this article: Alavi, S.A.A. & Dehghan, Z. (2025). The Role and Characteristics of Supplication in Child-Rearing, with an Emphasis on Prophetic Supplications in the Qur'an. *Journal of transcendental education*, 4(1), p. 31-50.

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>



نقش دعا در تربیت فرزندان و شاخصه‌های آن با تأکید بر دعا‌های انبیاء در قرآن

سید علی اصغر علوی^۱، زینب دهقان^۲

^۱ دکتری، گروه قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
modirekarbala313@chmail.ir

^۲ طلبه سطح چهار، رشته علوم و معارف قرآن، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران.
ommezahrasadat1399@gmail.com

چکیده

دعا یکی از ظرفیت‌های تربیتی است که می‌تواند آموزه‌های گوناگونی را در بستر خود جای دهد. در دعا‌های انبیاء، مضامین تربیتی متنوعی وجود دارد که بخشی از آن‌ها به تربیت فرزندان مربوط می‌شود و می‌تواند منبعی معتبر برای تحلیل و استخراج مضامین و ساختارهای تربیتی در قرآن باشد. اگر این مضامین با رویکردی پژوهشی و دقیق تبیین شود، برای والدین کارآمد و سودمند خواهد بود. هدف این پژوهش، بررسی مضامین تربیتی فرزندان در دعا‌های انبیاء در قرآن است و به عبارت دیگر، درصدد بررسی نقش عامل تربیتی دعا در تربیت فرزندان با تأکید بر دعا‌های انبیاء است و تلاش می‌کند از دعا‌های انبیاء نکات تربیتی استخراج کند. روش تحقیق تحلیلی استنباطی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تربیت سه عرصه از وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه شناختی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری. در اندیشه الهی و قرآنی، تربیت یک فرآیند خودمحور نیست، بلکه «خدامحور» است؛ یعنی انسان با ابزار دعا، اجازه می‌دهد تا مربی حقیقی (رب) در جان او تصرف کند و او را به کمال برساند.

کلیدواژه‌ها: دعا‌های قرآنی، انبیاء، تربیت، فرزندان، قرآن، خانواده، والدین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

استناد به این مقاله: علوی، سید علی اصغر؛ دهقان، زینب (۱۴۰۴). نقش دعا در تربیت فرزندان و شاخصه‌های آن با تأکید بر دعا‌های انبیاء در قرآن.

تربیت متعالی، ۴(۱)، ص ۳۱-۵۰.

<https://tarbiyatotali.ismc.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: مرکز تربیت معلم مبلّغ

۱۴۰۴/© نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

انسان در مسیر زندگی همواره به یادگیری مسائل گوناگون نیاز دارد. تربیت پدیده‌ای به‌قدری پیچیده است که هر کسی از عهده آن برنمی‌آید و همواره انسانی مطلوب وجود ندارد که به‌طور کامل روش‌های تربیتی صحیح را به دیگران بیاموزد. توجه به دعا به‌عنوان رویکردی تربیتی می‌تواند در راستای تأمین اهداف و آموزه‌های مرتبط با تربیت، راهگشا باشد (کشانی و کافی موسوی، ۱۴۰۲؛ ۱۴۰۳). پاسخ به پرسش‌های تربیتی باید از منابع الهی و مکتب‌های جامع بشری استخراج شود. تربیت درست در مکتب انبیاء یافت می‌شود که در گستره هستی و جامعه انسانی، هدایت بشر را برعهده دارند. انبیاء برای تربیت و مؤدب کردن انسان‌ها به آداب الهی از شیوه‌ها و روش‌های گوناگون بهره می‌بردند که گاهی در قالب دعا برای فرزندان‌شان بازتاب می‌یابد. دعا پیوندی معنوی میان انسان و خداوند است که اثر تربیتی و سازنده قابل‌توجهی دارد. در دعاهای انبیاء آموزه‌های تربیتی گوناگونی گنجانده شده و بسیاری از این دعاها در شأن فرزندان صادر شده است؛ از این‌رو منبعی شایسته برای بررسی، تحلیل و استخراج مضامین و ساختارهای تربیتی به‌شمار می‌آیند. نتایج این پژوهش و بررسی می‌تواند برای والدین سودمند و کارآمد باشد. این پژوهش با مآخذ دعاهای انبیاء در قرآن، به آن دسته از ادعیه می‌پردازد که درباره فرزندان است و از این منظر به بررسی روش‌های تربیتی انبیاء می‌پردازد. همچنین با بررسی ساختار، محتوا و کارکردهای دعاهای انبیاء، مضامین تربیتی این دعاها را تبیین و تحلیل می‌کند. تحقیق حاضر بر آن است که برای پاسخ به بخشی از مسئله والدین و فرزندان، به‌سراغ انبیاء برود و مقوله دعاهای آن‌ها را بررسی کند که سرشار از مضامین تربیتی است. همان‌گونه که بدن انسان به غذا، حفظ و نگهداری نیاز دارد، روح انسان هم به حفظ و بالندگی نیاز دارد. غذاهای مختلفی برای روح در نظر گرفته شده و یکی از اساسی‌ترین آن‌ها، دعا است. دعا جدا از اینکه در آرامش روح نقش بسزایی دارد، در تربیت آن نیز بسیار مؤثر است. در صورت پرداختن به این مسئله از منظر دعاهای انبیاء در قرآن، می‌توان جلوی بسیاری از نسخه‌های وارداتی غربی در تربیت را گرفت و از برکات قرآن در عرصه تربیت، بیش‌ازپیش بهره برد.

۲. پیشینه پژوهش

اخوت (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تدبر در ساختار دعا»، از ساختار دعا مثل آداب دعا، اصول مربوط به دعا و... سخن گفته است. محدثی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «دعاهای قرآنی»، به‌صورت کلی دعاهای قرآنی را آورده و ذیل دعاها، توضیحاتی داده و برای هرکدام از دعاها عنوانی خاص ذکر کرده است. واثقی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «دعاهای قرآن»، دعاهای قرآنی هرکدام از انبیاء را به‌صورت

کلی آورده است. حسنی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی دعا‌های انبیاء در قرآن کریم»، به اقسام و ویژگی‌های دعا‌های انبیاء در قرآن پرداخته است. انصاری‌راد (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مضامین دعایی در قرآن کریم»، به مباحث شناخت دعا، فرهنگ و آداب دعا پرداخته است. قریب (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین»، به نقش دعا در تربیت انسان از جنبه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی پرداخته است. مهدوی‌راد و زرسازان (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «روش تربیت انسان در سیره انبیاء از نگاه قرآن کریم»، به شیوه‌های تربیتی انبیاء از قبیل موعظه، مهرورزی، عبرت‌آموزی، تشویق و تنبیه پرداخته‌اند. زرسازان (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «آداب دعا در نیایش‌های انبیاء»، ضمن اشاره به نیایش‌های انبیاء، آداب دعا و ساختار آن را نیز بررسی کرده است. نعمتی پیرعلی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های تربیت در دعا‌های قرآنی»، اصول و روش‌های تربیتی مانند اسوه‌سازی، بیان نتایج اعمال، تبشیر و... را در خلال آیاتی ارائه کرده که ارتباطی وثیق با دعا دارند. بهاری (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «نقش تربیتی دعا در آیات و روایات»، به جنبه تربیتی دعا و نیایش با اتکاء به آیات الهی، احادیث و آثار و مدارک معتبر از اندیشمندان مختلف پرداخته است. کشانی و کافی موسوی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی و مدل‌یابی مضامین پیشین و پسین دعا در قرآن با رویکرد تربیت محور»، به معرفی گونه‌های مضامین پیشین و پسین دعا در قرآن، جهت استخراج مدل توصیفی آن‌ها و دریافت دلالت‌های مرتبط تربیتی پرداخته‌اند. بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از آن است که عمدتاً روی ساختار دعا‌های انبیا کار شده و کمتر به کارکردهای تربیتی دعا‌های انبیاء پرداخته شده است.

۳. دعا

دعا از ریشه «دعو»، به معنای کسی را بانگ زدن و خواندن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ذیل ماده دعو)، صدا زدن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۵۷-۲۵۸) و به یاری طلبیدن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۱) آمده است. دعا در اصطلاح اهل شرع و به تعبیر «مصباح المنیر»، گفت‌وگو با حق تعالی است که یا به صورت طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه اوست، یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس ایشان می‌باشد. دعا در اصطلاح شریعت اسلام یعنی اظهار نیاز و خواهش بندگان به درگاه خداوند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷). دعا معنای عامی دارد که همان خواندن است؛ هرچند در آن خواستن نباشد، همچنان که راغب به این مطلب توجه می‌دهد: «الدَّعَاءُ كَالْتَدَاءِ، إِلَّا أَنَّ التَّدَاءَ قَدْ يُقَالُ بِيَا، أَوْ أَيَا، وَ نَحْوَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضُمَّ إِلَيْهِ الْاسْمُ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴). کلمه «ذکر» تا حدودی با

دعا هم معناست. چنانکه راغب در ماده «ذکر» به آن اشاره نموده که «ذکر» یادآوری است (همان)، و در ادامه این نکته را بیان می‌کند که هر سخنی را ذکر گویند (همان). این معنا گذشته از کلمات متقدمین، در لسان علمای متأخر نیز آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۵). بنابراین، دعا، خواندن خداست و لزوماً بحث حاجت خواستن در آن نیست، بلکه گاهی صرفاً اُنس با خدا است.

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تحلیلی استنباطی است. روش پردازش اطلاعات از نوع توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از این روش، به پشتوانه متون دینی و عنایت به آیات قرآن کریم، نقش عامل تربیتی دعا در تربیت فرزندان و شاخص‌های آن را با تأکید بر دعا‌های انبیاء مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱-۵. شاخصه‌های عامل تربیتی دعا در تربیت فرزندان

تربیت سه عرصه از وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در بخش شاخصه‌ها به این سه محور پرداخته خواهد شد: تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه شناختی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری.

۱-۱-۵. تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه شناختی

تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه شناختی، در سه بخش قابل بررسی است: حوزه خداشناسی، حوزه خودشناسی و حوزه مسئولیت‌شناسی.

۱-۱-۱-۵. حوزه خداشناسی

هر مکتبی، جهان‌بینی دارد و مرکز جهان‌بینی اسلام، توحید است. توحید مانند رگ در بدن انسان، در تمام بدنه اسلام رسوخ دارد. توجه به اصل توحید، اصلی‌ترین رکن و مبنای دعا‌های انبیاء است که در نمودها و بروزهای مختلفی خود را نشان داده است. خداوند، خود را شنوای دعا معرفی کرده است. یکی از اسمای خداوند، سمیع بوده و انبیاء در همه زندگی، خدا را چنین معرفی کردند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم، ۳۹)، «حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. مسلماً پروردگار من، شنونده (و اجابت‌کننده) دعاست». توجه به مبدأ اصلی عالم در دعاها، به معنی خواستن خالصانه از اوست. در اینجا می‌توان به آیاتی رجوع کرد که مقام خواستن

خالص را متذکر می‌شوند (یونس، ۲۲؛ عنکبوت، ۶۵؛ لقمان، ۳۲؛ أعراف، ۲۹؛ غافر، ۱-۱۵ و...). اولین شرط دعا، معرفت به وجود مقدس حضرت باری تعالی است؛ یعنی معرفت توحیدی. چگونه می‌توان به سراغ کسی رفت که شناختی از او نیست و او را نمی‌شناسیم؟ (تشکر، ۱۳۹۰، ص ۱۷). ما برای شناخت خدا، از خود او استمداد می‌طلبیم. به تعبیر قرآن: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره، ۱۸۶)، «چون بندگانم درباره من از تو پرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند، پاسخ می‌دهم. پس، به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند». بیشتر متون ادعیه، به موضوع خداشناسی توجه داده‌اند که به جنبه عقلی و شناختی بشر اشعار داشته و تلاش دارد که از این مسیر، سالک خود را به شناخت و درک واقعی برساند؛ زیرا یکی از عوامل بازدارندگی از معصیت، عنایت به خدا و یاد اوست. اگر کسی خود را همیشه در محضر خدا ببیند و عمیقاً به این حقیقت باور پیدا کند، هرگز به معصیت دست نمی‌زند. اگر انسان به مقام حضور به محضر خدا برسد، از گناه دور خواهد شد. او همچنان که در دید مردم خطا نمی‌کند، همان‌طور در محضر خدا هم معصیت نخواهد کرد و به تعبیر امام علی (ع) «ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ» (لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵)، «یاد خدا، دورکننده شیطان است». نتیجه باور به آیاتی مانند آیات زیر، آن است که این ایمان، باعث دوری از معصیت خواهد شد: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر، ۱۹)، «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱)، «وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا» (احزاب، ۵۲). با نگاهی توحیدی به ادعیه معصومین، زیباترین راه‌های خداشناسی و مراحل توحید در آن دیده می‌شود که انسان را از راه‌های مختلف متوجه خداوند می‌کند. در دعا‌های مختلف، به مسئله خداشناسی و مسائلی مانند توحید پرداخته شده که در آن مباحثی مانند ذات و صفات خدا مطرح شده است؛ این توجه باعث ایجاد شناختی قوی در مورد خداشناسی انسان خواهد شد.

۵-۱-۲. حوزه خودشناسی

یکی دیگر از شاخصه‌های دعا در تربیت و در عرصه شناختی، مبحث خودشناسی است. انسان به واسطه دعا، به ضعف‌ها و نیازمندی‌های خویش بیشتر پی می‌برد و از این دریچه، درصدد رفع نواقص وجودی خود برمی‌آید. در دل دعا و نیاز، تلاش برای برطرف کردن خلأهای وجودی هم هست. در هر چیزی، شناخت و معرفت مقدم است؛ از این رو، خودشناسی بر خودسازی مقدم است. مکاتب توحیدی به خصوص اسلام، افراد را به تفکر در خود دعوت کرده‌اند. انسان تا خود را نشناسد و نداند که کیست و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت، به دنبال کسب موفقیت و اهداف بلند انسانی نخواهد رفت. خودشناسی باعث می‌شود که انسان، نیازهای درون و بیرون خود را احساس کند و خدا را بشناسد. انسان با شناخت

واقعی خود، به کمبودهای وجودی آگاه می‌شود و از این طریق، به بی‌نیاز مطلق می‌رسد. انسان با شناخت حقیقت خود، به حس پرستش و زیبایی‌خواهی آگاهی می‌یابد و در نهایت به زیبایی و جمال مطلق می‌رسد. انسان از کمال‌طلبی خود و اینکه به دنبال موجودی بی‌عیب است، آگاه می‌شود و سرانجام به بی‌نیاز مطلق می‌رسد که هیچ عیبی در او نیست. مهم‌ترین مرحله در تربیت و رسیدن به مقام بندگی، خودشناسی است؛ چراکه انسان با شناخت واقعی خود، به خلأهای خود واقف می‌شود و از این مسیر، به پاسخ‌دهی آن خلأها، یعنی خدای بی‌نیاز می‌رسد. او از دریچه خودشناسی، به خداشناسی هم می‌رسد؛ زیرا تا خود را بی‌نیاز ببیند، سر از طغیان درمی‌آورد: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَرَأَيْتَ إِذَا اسْتَعْنَىٰ» (علق، ۶-۷)، «چنین نیست (که شما می‌پندارید)، به یقین انسان طغیان می‌کند، از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند». حضرت علی (ع) نیز با فضیلت‌ترین معارف را، معرفت انسان به خویش می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۹). یکی از بهترین منابع برای خودشناسی، ادعیه ائمه اطهار (ع) است که علاوه بر چگونه دعا کردن، درس خودشناسی هم می‌دهند. بهترین نمونه خودشناسی را می‌توان در دعای عرفه امام حسین (ع) یافت (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۰). در بخشی از دعای عرفه چنین آمده است: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهْلًا فِي جَهْلِي» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵، ص ۲۲۵)، «پروردگارا! در عین ثروت، فقیرم؛ پس در حال فقرم، چگونه فقیر نباشم؟ خدایا در حال دانش، جاهلم؛ پس در حال جهل، چگونه جاهل نباشم؟!». این دو جمله، اشاره دارد به اینکه، انسان هرچه دارد، از خداست و در واقع، به فقر و جهل ذاتی بشر اشاره کرده است. هنگام دعا، انسان در برابر معبود به ضعف و نیازمندی‌های خود پی می‌برد و بدین وسیله، خود را با عالم ملکوت پیوند می‌دهد. علاوه بر این، دعا به همگان می‌آموزد که انسان آرمانی چگونه است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ انسانی که تمامی ظرفیت‌های وجودی او رشد کرده، کیست؟ در آیات، روایات و دعاها، توصیف‌های زیادی از چنین انسانی شده است؛ مانند مناجات‌های خمسۀ عشر از امام سجّاد (ع)، دعای مکارم الاخلاق، دعای سحر، دعای کمیل و مناجات شعبانیه. به عنوان مثال، امام سجّاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق به همگان می‌آموزد که انسان متعالی چگونه است و چه خصلت‌هایی دارد؟ سپس برای تحقق این ویژگی‌ها، از خدا کمک می‌خواهد و دعا می‌کند.

۵-۱-۳. حوزه مسئولیت‌شناسی

انسان بعد از اینکه خدا را شناخت و بر معرفت خود نیز واقف شد، به فصل تازه‌ای از شناخت می‌رسد و آن مسئولیت‌شناسی است. پیشوایان دین، با زبان دعا و روش غیرمستقیم، مسئولیت‌پذیری انسان و چگونگی رفتار با دیگران را به مردم می‌آموزند. معارف برآمده از دعاها، علاوه بر اینکه رابطه انسان با خدا را

متعادل می‌کند، راهنمای عمل جامعه برای چگونه برقرار کردن روابط اجتماعی نیز است. اگر در دعاها از خدا می‌خواهیم که ما را عفو فرما، در ضمن می‌آموزیم که ما هم باید از خطاهای دیگران بگذریم؛ همان‌گونه که در قرآن مجید می‌خوانیم: «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن، ۱۴)، «و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد)؛ چراکه خداوند بخشنده و مهربان است». اگر در دعا به خداوند خطاب می‌کنیم که «تو اهل احسان به بدکارانی»، از باب «تخلقوا باخلاق الله»، به ما می‌آموزد که ما نیز حتی در حق کسانی که ما را قبول ندارند و با ما دشمن هستند، اهل احسان باشیم.

۵-۲-۱. تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی

دومین شاخصه تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی است. بعد از توجه به حوزه شناختی، باید از حوزه عاطفی به این موضوع پرداخته شود. این عرصه شامل چند محور است: احساس محبت و عشق به خداوند متعال، امیدبخشی و یأس‌زدایی، پرورش روح و تربیت روان آدمی، قدرشناسی و شکرگزاری، مبارزه با نفس، خیرخواهی و آرامش.

۵-۲-۱-۱. احساس محبت و عشق نسبت به خداوند متعال

دعا در اندیشه دینی، تجلی محبت و عشق به خدای متعال است. از این رو، دعا را این‌گونه می‌توان معنا کرد که انسان در دعا از خداوند، خود او را می‌خواهد. این بالاترین مرحله و مرتبه دعاست و همان جلوه‌ای بوده که قرآن کریم از آن سخن گفته که مؤمنان بیش از همه، به خدا عشق می‌ورزند و محبت او را در دل خود جای می‌دهند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۶۵)، «اما آن‌ها که ایمان دارند، عشقشان به خدا شدیدتر است». به تعبیر صاحب «مجمع البیان»: «محبت مؤمنین نسبت به خدا شدیدتر و بیشتر از محبتی است که کفار نسبت به محبوب خود (بت‌ها یا پیشوایان ستمکار) دارند. شدت محبت مؤمنین نسبت به خدا در سه موضوع به‌طور کامل جلوه‌گر است:

۱. با کمال اخلاص، او را عبادت و تعظیم می‌کردند و در ستایش او فوق‌العاده می‌کوشیدند؛
۲. او را از روی علم و یقین به اینکه بدون سؤال نعمت‌ها بخشیده و اینکه او خیر و صلاح را برایشان تقدیر و تدبیر کرده، دوست می‌داشتند و او را از روی سپاسگزاری عبادت می‌کردند و به رحمت و کرم او از روی بصیرت و یقین امیدوار بودند و لذا محبت آن‌ها نسبت به خداوند شدیدتر بود؛
۳. می‌دانستند که صفات عالی‌تر و اسمای نیکوتر، فقط مخصوص خداوند است و او حکیم و خبری است که مثل و مانند ندارد و منفعت و ضرر و ثواب و عقاب تنها در قبضه اختیار اوست و بازگشت همه به سوی اوست» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۲). علامه طبرسی در معنای «أَشَدُّ حُبًّا»، دو وجه را ذکر

می‌کند. اولین وجه را از ابن عباس می‌گوید که «اشد» به معنای ثابت‌تر و دائمی‌تر است؛ چون مشرکین در دلبستگی و محبت خود ثابت و پایدار نبودند و محبت خود را از این بت به آن بت منتقل می‌کردند، ولی مؤمنین در محبت خدا پایدار هستند. علامه، دومین وجه را از حسن می‌گوید که اشد به معنای محکم‌تر است؛ زیرا مؤمنین، خدا را بدون واسطه عبادت می‌کردند، ولی بت پرستان، خدا را به واسطه بت‌ها می‌پرستیدند (همان). این ظرفیت ویژه دعاست که ارتباط با خدا، باعث ایجاد حس علقه و محبت ریشه‌دار با خدا می‌شود. بنابراین، می‌توان آن را مهم‌ترین بعد عاطفی دعا دانست که اتصال با منبع اصلی عالم خلقت است.

۵-۱-۲. امیدبخشی و یأس‌زدایی

یکی از مطالبی که در حوزه عاطفی باید به این موضوع پرداخته شود، موضوع امیدبخشی و یأس‌زدایی است. بدون تردید، دعا از بهترین زمینه‌هایی است که امید را در دل انسان افزایش می‌دهد؛ چراکه دعا، اتصال با برترین حقیقت عالم است؛ حقیقتی که همه خوبی‌ها و فضیلت‌ها را در خود جمع دارد و اتصال با او، بستر تحقق آن فضیلت‌ها در دل انسان می‌شود.

این حقیقت را حضرت یعقوب به زیباترین شیوه‌ای بیان می‌فرماید که: «یا بَنِي اَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)، «پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!». این نیز سخن حضرت ابراهیم است که: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر، ۵۶)، «گفت: جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!». موضوع امید در ادعیه دینی، برجستگی خاصی دارد. در بخشی از دعای ابوحمزه ثمالی آمده: «یا خَيْرَ مَنْ دَعَا دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَا رَاجٍ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۸۴)، «ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خوانده و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته است». مهم‌ترین رکنی که در دعاها باید رعایت شود و اولیای دین به آن توصیه کرده‌اند، این است که انسان باید از همه مردم مأیوس باشد و امیدی غیر از خدا نداشته باشد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَيَاسُ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَلَا يَكُنْ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۱۴)، «وقتی که یکی از شما اراده کند که هرچه از خدا خواست عطا کند، باید از همه مردم مأیوس بوده و امیدی غیر از خدا نداشته باشد. پس وقتی خدا از قلب او این معنی را دانست، هرچه از خدا بخواهد عطا می‌فرماید».

۵-۲-۳. پرورش روح و تربیت روان آدمی

دعا و نیایش، از سرمایه‌های بسیار ارزنده و از حقایق مسلم اسلام و قرآن است که استفاده صحیح از آن، روح و جسم انسان‌ها را پرورش می‌دهد. الکسیس کارل می‌گوید: «هیچ ملّتی در تاریخ به سقوط و زوال قطعی نیفتاد، مگر اینکه از قبل دعا را ترک و خود را برای مرگ آماده کرده است ... دعا، عمیق‌ترین آثار را بر روح و فطرت انسان می‌گذارد و او را آنچنان رشد می‌دهد که جامعه، محیط و وراثت بر او تنگی می‌کند ... چنین به نظر می‌رسد که اگر نیایش و دعا با تمامی شرایطش انجام شود، نیایشگر هرچه را بخواهد، به دست می‌آورد و هر دری را بکوبد، به رویش گشوده می‌شود» (کارل، ۱۳۵۵، ص ۲۲). دعا و نیایش یعنی درخواست کمال، مقام و موقعیت که باید با لیاقت و کاردانی نیایشگر به دست بیاید. تکرار دعا و خواستن، مانند شعاری است که در روح انسان اثر می‌گذارد و در او نیروی امید و عشق و علاقه به وجود می‌آورد و او را در راه رسیدن به آن هدف، به تکاپو و جنبش وامی‌دارد. انسانی که ادراک کرده، آنچه هست برایش قانع‌کننده و کافی نیست. او دعا می‌کند تا به آنچه باید باشد، برسد؛ چنین شخصی همیشه تشنه و مشتاق آینده‌ای ایدئال و بهتر است (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱). از این جهت است که در متن داستان زندگی انسان‌های بزرگ هستی یعنی انبیاء، ردپای دعا را بسیار می‌توان دید. در آیات قرآن و در بستر روایتی که از ماجرای انبیاء می‌شود، این سرنخ فراوان دیده شده و گویا با اتصال همیشگی با دعا و نیایش، سیر کمال و تربیت خود را طی می‌کنند. برای همین حضرت موسی (ع) پیش از شروع رسالت، سعه صدر را در این دعا از خدا طلب می‌کند که: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه، ۲۵-۲۶). ذکر یونسیه را نیز از این منظر باید دید که عالی‌ترین کلاس تربیت روح است: «... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء، ۸۷). اعتراف به «ظلم به خویشان» در محضر خداوند، منیت انسان را می‌شکند و با تسبیح حق، روح را از زندان حجاب‌های ظلمانی نفس رها می‌کند. دعای حضرت ابراهیم (ع) نیز در این زمینه است که: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء، ۸۳) و همچنین تسلیم مطلق در برابر حق حضرت ابراهیم و اسماعیل که: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ...» (بقره، ۱۲۸).

۵-۲-۴. قدرشناسی و شکرگزاری

آنان که از معرفت و حکمت بهره‌ای دارند، نیک می‌دانند که شکر نعمت‌های خداوند، وظیفه‌ای انسانی است که مایه رشد و تعالی روح شده و آثار بی‌شماری برای خود ایشان خواهد داشت. این انسان است که به شکرگزاری و آثار ارزشمند آن نیازمند است؛ وگرنه خداوند ذاتی نامحدود و بی‌نیاز می‌باشد (حیدری، ۱۳۷۹)، «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي حَمِيدٌ» (لقمان، ۱۲)، «ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم) شکر خدا را به جای آور. هرکس

شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند (زیانی به خدا نمی‌رساند)؛ چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است». دعا یکی از بهترین وسیله‌هایی است که با سلوک در آن، انسان متوجه نعمت‌های خدا می‌شود؛ زیرا در بستر آن دائماً به داشته‌هایی که خدا به او داده است، توجه می‌کند و برای همین، پیوسته خود را قدردان و شکرگزار خدا می‌داند. به تعبیر بهتر، خدا با اجابت خود در حق انسان، او را بیشتر و بهتر به خود رهنمون می‌کند و افق تازه‌تری از خداشناسی و تربیت توحیدی برای انسان باز می‌کند. در داستان انبیاء در قرآن، این حقیقت نورانی برجسته است. حضرت ابراهیم (ع) پس از درخواست از خدا دربارهٔ فرزند و بعد از اجابت دعایش در همین بستر تربیتی، با خدای خود سخن می‌گوید و از سر قدرشناسی و شکرگزاری چنین می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم، ۳۹)، «حمد مخصوص خدایی است که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلماً پروردگار من، شنونده (و اجابت‌کننده) دعاست». رسیدن به مقام شکرگزاری و به تعبیر قرآن شکور شدن، از بالاترین افتخاراتی است که خداوند در حق خوبان درگاهش می‌کند. به‌عنوان نمونه قرآن در وصف حضرت نوح چنین می‌گوید: «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (اسراء، ۳)، «ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، او بنده شکرگزاری بود (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید)». خداوند حتی در مقام گله، این‌گونه می‌فرماید: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ، ۱۳)، «ای آل داوود، شکر این‌همه نعمت را به جا آورید، ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند». خداوند گاهی شکور بودن را زمینه‌ای برای دریافت‌های بعدی و توفیقات دیگر دانسته و از آن این‌گونه یاد می‌کند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (لقمان، ۳۱)، «آیا ندیدی کشتی‌ها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند، تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در این‌ها، نشانه‌هایی است برای کسانی که شکیبا و شکرگزارند». همه این مطالب مهم، در گرو ارتباط عمیق با خدای متعال شکل می‌گیرد که اوج آن را می‌توان در دعا دید. سخنان معصومین در مورد شکرگزاری بسیار است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «کسی که غذا بخورد و شکر نعمت را به جا آورد، پاداش روزه‌داری را دارد که برای خدا روزه گرفته است و شخص تندرستی که شکر خدا را به جای آورد، اجر بیماری را دارد که در برابر بیماری صبر و شکیبایی دارد و دارنده ای که شکر نعمت را به جا می‌آورد، اجر محروم قناعت‌پیشه شکیبا را دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۴). همچنین امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «شکر نعمت، مانع زوال نعمت و سبب تأیید آن می‌شود» (همان). در زمینه اهمیت شکر و تأثیر آن در دوام نعمت‌ها و فزونی آن، احادیث بسیاری وارد شده است که ذکر آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۸۴).

۵-۲-۵. مبارزه با نفس

همه انسان‌ها در امور زندگی وظیفه دارند که فقط خداوند عزوجل را عبادت و بندگی کنند و فقط از او کمک بخواهند. غلبه بر لشکریان قدرتمند نفس اماره مانند قوای شهویه و غضبیه، محتاج جهاد اکبر است و تنها با استمداد خالصانه و استدعای عاجزانه از درگاه خداوند متعال و با مجاهده و مبارزه بی‌امان با نفس اماره ممکن خواهد بود. برای همین، تا زمانی که انسان به توسل جدی به خدا دست نزند و تنها از او یاری نگیرد، به این مهم موفق نخواهد شد. آیات پنجم تا هفتم سوره حمد به این حقیقت گواهی می‌دهند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (فاتحه، ۷-۸)، «(پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به راه راست هدایت کن؛ راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود کردی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان». مبارزه با نفس و پناه بردن دائمی به خدا از شرّ شیطان، در این آیه به‌خوبی نمایان است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف، ۲۰۱)، «هنگامی که پرهیزگاران گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌شوند». به تعبیر علامه طباطبایی: «پرهیزکاران، وقتی شیطان طائف نزدیکشان می‌شود، به یاد این می‌افتند که پروردگارشان، خداوندی است که مالک و مربی ایشان بوده و همه امور ایشان به دست اوست. پس، چه بهتر که به خود او مراجعه کرده و به او پناه ببریم. خداوند هم شرّ شیطان را از ایشان دفع کرده و پرده غفلت را از ایشان برطرف می‌کند و ناگهان بینا می‌شوند» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۴۹۸). ایشان در ادامه، به این نوع از پناه‌بردن اشاره می‌کنند که به‌گونه‌ای تذکر و توجه است: «نیز معلوم شد که پناه‌بردن به خدا، خود یک نوع تذکر است؛ چون اساسش بر این است که خدای سبحان که پروردگار آدمی است، یگانه رکن و پناهگاهی است که می‌تواند این دشمن مهاجم را دفع کند، علاوه بر اینکه پناه‌بردن به خدا، خود یک نوع توکل به اوست» (همان).

۵-۲-۶. خیرخواهی

دعا باعث پیوند عمیق روحی مؤمنانه بین مؤمنان می‌شود که ثمره آن، ایجاد خیرخواهی و همدلی با دیگران است؛ چراکه در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام، برای دعا آدابی ذکر شده که به‌طور مستقیم باعث ایجاد حس خیرخواهی در افراد می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به دعا برای دیگران اشاره کرد. یکی از آداب دعا، دعا برای دیگر برادران دینی است. این مطلب را در آیات قرآن به روشنی می‌توان دید: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (حشر، ۱۰)، «(همچنین) کسانی که بعد از آن‌ها [بعد از مهاجران و انصار] آمدند و

می‌گویند: پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو مهربان و رحیمی». این نوع مواجهه با دعا، هم روح خودپرستی و نفع‌طلبی را از انسان زایل می‌کند و هم نوید اجتماع نورانی و باصفا را می‌دهد. کسی که هنگام دعا دائماً به یاد برادران خود است، امکان ندارد راضی به آزار آن‌ها شود. در نتیجه این دعاها باعث اعمال خیرخواهانه و سالم شخص خواهد شد.

۵-۱-۲-۷. آرامش

مهم‌ترین مشکل بشر امروز، نبود آرامش و سکینه الهی است. به عقیده برخی از اندیشمندان، روزگار فعلی، روزگار اضطراب است. متأسفانه بشر در ابعاد متعددی پیشرفت داشته است، اما در بحث آرامش دچار مشکلات بسیاری است. در این رویکرد، به دلیل اتصال با خدای بزرگ و بی‌نیاز، این احساس به شخص دعاکننده دست خواهد داد و او را به آرامش خواهد رساند. این همان نوید خدا در قرآن است که آرامش روانی را تنها در پرتو توجه به خدا دانسته است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)، «آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». نکته مهم این است که در این آیه، تعبیر «بِذِكْرِ اللَّهِ»، بر فعل مقدم شده که بر حصر دلالت می‌کند، یعنی به جز یاد خدا، آرامش و اطمینان حاصل نخواهد شد و دعا، یکی از بهترین مصادیق ذکر خداست. به تعبیر علامه طباطبائی: «از ظاهر الفاظ آیه، انحصار فهمیده می‌شود؛ چون متعلق فعل یعنی «بِذِكْرِ اللَّهِ»، بر خود فعل یعنی «تطمئن» مقدم آمده؛ در نتیجه می‌فهماند که دل‌ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی‌یابد. بیان گذشته ما نیز این معنا را روشن می‌کند؛ زیرا گفتیم که دل‌های آدمیان که همان نفوس مدرکه باشد، هیچ هدفی جز رسیدن به سعادت و امنیت از شقاوت ندارد. به همین جهت است که دست به دامن اسباب می‌زند و چون هیچ سببی از اسباب نیست، مگر آنکه از جهتی غالب و از جهتی مغلوب است و تنها سبب غالب و غیرمغلوب خدای سبحان و خدای غنی و ذوالرحمه است. پس تنها به یاد او دل‌ها آرامش می‌یابد و اگر دلی به یاد غیر او آرامش یابد، دلی است که از حقیقت حال خود غافل بوده و اگر متوجه وضع خود بشود، بدون درنگ دچار رعشه و اضطراب می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۴۸۷). کوتاه سخن اینکه، بهترین راه برای لطافت روح و ایجاد آرامش، ارتباط با خدا و به‌خصوص بهره‌مندی از ظرفیت دعاست. دعا در محضر خدایی که هرگاه او را صدا بزند و از او کمک بخواهد، به او پاسخ می‌دهد؛ همان خدایی که به او بسیار نزدیک است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره، ۱۸۶)، «و هنگامی که بندگانم، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو) من نزدیکم. دعای

دعاکننده را هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)». خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶)، «و ما به او از رگ قلبش نزدیک تریم».

۵-۱-۳. تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری

سومین شاخصه تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری است. بعد از توجه به حوزه شناختی و حوزه عاطفی، باید به حوزه رفتاری پرداخته شود.

۵-۱-۳-۱. گناه‌زدایی و اجتناب از محرمات

اولین اثر عامل دعا که ریشه در توجه به خدای متعال و ارتباط با او دارد، این است که شخص در بستر این توجه، از عوامل سلبی مانند گناه و محرمات و نیز رذیله‌های اخلاقی دوری می‌کند؛ چراکه دعا، اتصالی است که یک بنده با خدای خود دارد و در فضای چنین ارتباط نورانی، ظلمت‌ها برطرف خواهد شد. در این منظومه، اگر دعا از جانب والدین در حق فرزندان و محیط خانواده آن‌ها اتفاق افتد، این اثر به مراتب بیشتر خواهد شد؛ مانند ماجرای حضرت ابراهیم که این درخواست را از خدای خود کرد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم، ۳۵)، «(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر [مکه] را شهر امنی قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگاه دار». حتی درخواست بخشش گناهان و عنایت به حقیقت غفران الهی در دعاهای ایشان قابل توجه است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم، ۴۱)، «پروردگارا، من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می‌شود، ببامرز». حضرت یعقوب نیز به درخواست فرزندان، برای آن‌ها دعا و استغفار می‌کند: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف، ۹۷-۹۸)، «گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت: به‌زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم که او آمرزنده و مهربان است».

۵-۱-۳-۲. شجاعت و استقامت

زندگی مردان الهی، سرشار از شجاعت و استقامتی است که به‌واسطه درک حقیقت «الله» و تربیت در این فضا به آن دست یافته‌اند. برای همین، به‌واسطه اینکه فهمیده‌اند خدا رب و مربی آن‌هاست، به‌دنبال آن اهل ایستادن و هزینه دادن برای هدف بلند توحیدی هستند. این حقیقت را آیات قرآن نیز شهادت می‌دهد که هرکس خدا را رب خود بداند، به‌دنبالش اهل استقامت خواهد بود و در امتداد آن نیز به دستاوردهای بزرگی خواهد رسید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا

بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰)، «به‌یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نرسید و غمگین باشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است». «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف، ۱۳)، «کسانی که گفتند پروردگار ما «الله» است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند». این ایستادگی در مسیر را در ماجرای حضرت یعقوب با فرزندان می‌توان دید که چگونه به فرزندان خود این مطلب را متذکر می‌شود: «يَا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷)، «پسرانم، بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند».

۵-۱-۳. ایثار

یکی دیگر از برکات این رویکرد آن است که انسان متصل به خدا، اندک‌اندک در وجودش، خدا اولویت اصلی می‌شود و حاضر است برای او، همه چیزش را فدا کند و تسلیم اوامر او باشد. این روحیه توحیدی که در زندگی انبیاء برجسته و پررنگ بوده، بسیار شایسته توجه و الگوگیری است. انسانی مانند حضرت ابراهیم که حاضر است برای خدا، از راحتی و آرامش خود و خانواده‌اش بگذرد. شرح این زندگی سرشار از معنویت و از خودگذشتگی در آیات قرآن شنیدنی است؛ آنجا که حضرت ابراهیم در بستر دعا، این مطالب را با خدا نیز درمیان می‌گذارد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۳۷)، «پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم توسست، ساکن کردم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها کن و از ثمرات به آن‌ها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند».

۵-۱-۴. رفتارهای بابصیرت

یکی از ثمرات مهم دعا و ارتباط با خدا، پیدایش بصیرت و روشنایی در دل بوده که نتیجه آن، تأثیرناپذیری وسوسه‌های شیطان است (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۰). به تعبیر قرآن کریم، پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند و در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و ناگهان بینا می‌گردند: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف، ۲۰۱). در اثر اتصال به خدا، شناختی حاصل می‌شود که می‌تواند چراغ راه انسان باشد. کسی که با دعا

دائماً با خدا مرتبط است، با فرصتی از جنس بصیرت و شناخت مواجه است. چنین شخصی مطالبی را متوجه می‌شود که دیگران از درک آن قاصرند؛ مانند آن چیزی که حضرت یعقوب در بستر ارتباط با خدا به آن می‌رسد و دلش روشن است، اما فرزندان از آن بی‌خبرند و حتی پدر را سرزنش می‌کنند؛ چرا که هنوز به درک این حقیقت و اثر تربیت ربوبی در ایجاد بصیرت نرسیده‌اند: «قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يَوْسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ * قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف، ۸۶)، «گفتند: به خدا تو آن قدر یاد یوسف می‌کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری یا هلاک شوی. گفت: من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم (و شکایت نزد او می‌برم) و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید». کوتاه سخن اینکه، با دعا تذکر حاصل می‌شود. وقتی انسان به خدا رو کند، نوری از باطن بر نفس او می‌تابد که تابش این نور، هم خانه دلش را تابناک نموده و هم صفحه عقل و ذهنش را روشن می‌کند.

۵-۳-۵. دوری از غفلت

غفلت، ریشه در جدایی از خدا دارد. اگر انسان با واسطه با خدا در ارتباط باشد، از وادی غفلت‌ها هجرت خواهد کرد. دعا، بهترین فرصت برای توجه به خداست و اگر این ظرفیت در بستر خانواده و والدین و فرزندان محقق شود، اثر فوق‌العاده‌ای خواهد داشت. این حقیقت، در دعای حضرت ابراهیم(ع) در حق خود و فرزندان و عنایت به نماز به‌عنوان بهترین ابزار ذکر برای مقابله با غفلت دیده می‌شود: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم، ۴۰)، «پروردگارا، مرا برپاکنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما). پروردگارا، دعای مرا بپذیر». توجه به نماز در این دعا، همان توجه به ذکر است که انسان را از غفلت‌ها نجات می‌دهد؛ چراکه قرآن کریم نماز را مصداق بارز ذکر می‌داند: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴)، «من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست. مرا پرست و نماز را برای یاد من به‌پا دار».

۶. نتیجه‌گیری

دعا یکی از ظرفیت‌های تربیتی است که می‌تواند آموزه‌های گوناگونی را در بستر خود جای دهد. در دعاهای انبیاء، مضامین تربیتی متنوعی وجود دارد که بخشی از آن‌ها به تربیت فرزندان مربوط می‌شود و می‌تواند منبعی معتبر برای تحلیل و استخراج مضامین و ساختارهای تربیتی در قرآن باشد. اگر این مضامین با رویکردی پژوهشی و دقیق تبیین شود، برای والدین کارآمد و سودمند خواهد بود. تربیت، سه عرصه از وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه شناختی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی، تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری. تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه

شناختی، در سه بخش قابل بررسی است: حوزه خداشناسی، حوزه خودشناسی و حوزه مسئولیت‌شناسی. دومین شاخصه تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه عاطفی است. بعد از توجه به حوزه شناختی، باید از حوزه عاطفی به این موضوع پرداخته شود. این عرصه شامل چند محور خواهد بود: احساس محبت و عشق نسبت به خداوند متعال، امیدبخشی و یأس‌زدایی، پرورش روح و تربیت روان آدمی، قدرشناسی و شکرگزاری، مبارزه با نفس، خیرخواهی و آرامش. سومین شاخصه تأثیرگذاری دعا بر تربیت در حوزه رفتاری است. بعد از توجه به حوزه شناختی و حوزه عاطفی، باید به حوزه رفتاری پرداخته شود که شامل این عرصه‌ها است: گناه‌زدایی و اجتناب از محرمات، شجاعت و استقامت، ایثار، رفتارهای با بصیرت و دوری از غفلت. در اندیشه الهی و قرآنی، تربیت یک فرآیند خودمحور نیست، بلکه «خدامحور» است؛ یعنی انسان با ابزار دعا، اجازه می‌دهد تا مربی حقیقی (رب) در جان او تصرف کند و او را به کمال برساند. دعا با ایجاد «اتصال دائمی با مبدأ ربوبی»، فشارهای روانی تربیت را از دوش والدین برمی‌دارد و با استمداد از فیض الهی، مسیر تربیت را که مسیری پرفراز و نشیب است، هموار می‌سازد. لذا، پیشنهاد می‌شود در الگوهای تربیتی معاصر، دعا نه به عنوان یک امر حاشیه‌ای، بلکه به عنوان «هسته مرکزی» تعاملات تربیتی میان والدین و فرزندان بازتعریف شود.

— منابع —

قرآن کریم.

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ج ۱۴.
- اخوت، احمد رضا (۱۳۹۷). *تدبر در ساختار دعا*. انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت.
- انصاری راد، محمد (۱۳۸۳). *بررسی مضامین دعایی در قرآن کریم*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- بهارى، عزیزه (۱۳۹۱). *نقش تربیتی دعا در آیات و روایات*. اردبیل: ثامن الحجج.
- تشکر، احمد (۱۳۹۰). *استجاب دعا (شرایط و موانع)*. قم: بوستان کتاب.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *حکمت عبادات*. تحقیق: حسین شفیعی. قم: اسراء.
- حسنی، خادم حسین (۱۳۹۵). *بررسی دعاهای انبیاء در قرآن کریم*. پایان نامه کارشناسی ارشد. جامعه المصطفی العالمیه.
- حیدری، محمدباقر (۱۳۷۹). *گنجینه های روزی در قرآن: شکرگزاری*. بشارت، شماره ۱۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). *اسلام شناسی و پاسخ به شبهات*. قم: مسجد مقدس جمکران.
- زرسازان، عاطفه (۱۳۸۶). *آداب دعا در نیایش های انبیاء*. بینات، شماره ۵۵.
- سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۰). *آثار تربیتی و روان شناختی دعا*. راه تربیت، ۶(۱۵).
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۸، ۱۱.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو، ج ۲.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی، ج ۱.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ج ۲.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: مؤسسه دار الهجره.
- قریب، مسعود (۱۳۸۸). *نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۲.
- کارل، آلکسیس (۱۳۵۵). *نیایش*. مترجم: محمد تقی شریعتی. قم: تشیع.
- کشانی، مهدیه؛ کافی موسوی، اباذر (۱۴۰۲). *مطالعه مضامین دعاهای دعاکنندگان در قرآن کریم و آموزه های تربیتی مبتنی بر آن*. دعا پژوهی، ۳(۵)، ص ۱۹۱-۲۱۵.
- کشانی، مهدیه؛ کافی موسوی، اباذر (۱۴۰۳). *گونه شناسی و مدل یابی مضامین پیشین و پسین دعا در قرآن با رویکرد تربیت محور*. دعا پژوهی، ۴(۷)، ص ۳۶-۵۶.
- لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ (للثی)*. قم: دار الحدیث.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۹۵، ۹۰.

محدثی، جواد (۱۳۸۹). *دعاهای قرآنی*. انتشارات مشعر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. تهیه و تنظیم: جمعی از فضلا. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ج ۳.

مهدوی‌راد، محمدعلی؛ زرسازان، عاطفه (۱۳۸۵). *روش تربیت انسان در سیره انبیاء از نگاه قرآن کریم*. پژوهش دینی، شماره ۱۴.

نعمتی پیرعلی، دل‌آرا (۱۳۸۸). *جلوه‌های تربیت در دعاهای قرآنی*. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۴۴.

وائقی، حسین (۱۳۹۹). *دعاهای قرآن*. انتشارات بوستان کتاب.